

نمونه جزوه استاد عبد اله پورراد

گرامر نقش مهمی در تفهیم و ترجمه سوالات بر عهده دارد، از این رو گرامرهای بسیار کاربردی و آن دسته از گرامرهایی که به وفور در سوالات دیده می‌شوند در فصل اول گردآوری شده‌اند. بنابراین موكداً توصیه می‌شود که شما عزیزان فصل اول را به دقت مطالعه نموده و تمرینات را انجام دهید، چرا که صرفاً با تسلط به لغت و بدون مهارت گرامری کافی، نه تنها به ترجمه صحیح از سوالات لغات و متون دست نمی‌یابید بلکه دچار اشتباه نیز خواهید شد.

▪ یک نمونه از بخش گرامر کاربردی

**Present Perfect (زمان حال کامل)**

ساختار زمان حال کامل

اسم مفعول + have/has + فاعل

✓ داوطلبان عزیز، زمان حال کامل یکی از پر تکرارترین گرامرها در روی سوالات بخش لغات می باشد بنابراین یادگیری کامل آن کمک چشمگیری در درک مفهوم جملات خواهد داشت.

زمان حال کامل برای کارهایی استفاده می شود که در زمان گذشته شروع شده است اما تا به حال ادامه دارد. مثل زندگی کردن در جایی، کسی در زمان گذشته در شهری زندگی می کرده است و همچنان در آن شهر زندگی می کند. "since" و "for" کلماتی هستند که بسیار با زمان حال کامل مورد استفاده قرار می گیرند. "since" به معنی "از"، نشان دهنده مبدا زمان و "for" به معنی "به مدت"، نشان دهنده طول زمان است.

▪ They have lived in Canada <u>for 10 years</u> .	آنها به مدت ۱۰ سال در کانادا زندگی کرده اند.
▪ They have lived in Canada <u>since 2014</u> .	آنها از سال ۲۰۱۴ در کانادا زندگی کرده اند.
▪ The medical industry has experienced overwhelming advances over the last 50 years. <small>۹۳ پنجشنبه صبح</small>	صنعت پزشکی پیشرفت های تاثیرگذاری را طی ۵۰ سال گذشته تجربه کرده است.

زمان حال کامل همچنان برای کارهایی قابل استفاده است که صرفاً در زمان گذشته انجام شده است و تا زمان حال ادامه نمی یابد. کلمه "already" به معنی "قبلاً"، به وقایعی اشاره می کند که در گذشته دور اتفاق افتاده اند. "just" به معنی "اندکی پیش" به وقایعی اشاره می کند که در گذشته نزدیک و یا اخیراً انجام یافته اند.

▪ I have <u>already</u> seen that film.	من قبلاً آن فیلم را دیده ام.
▪ He's <u>just</u> sent them a message.	او کمی پیش به آنها پیغام فرستاد.
▪ The government has decided to equip health provisions in big cities. <small>۹۳ پنجشنبه صبح</small>	دولت تصمیم گرفته است تا تسهیلات سلامت را در شهرهای بزرگ مجهز کند.

همچنین زمان حال کامل به دفعات انجام کاری در زمان گذشته اشاره می کند.

▪ They have visited each other twice.	آنها دوباره همدیگر را ملاقات کرده‌اند.
▪ He has tried that food several times.	او آن غذا را چندین بار امتحان کرده است.

جملات زیر را ترجمه نمایید.

1. She has lived in Italy since she was born.
2. Samuel has worked on his project since 10 days ago.
3. I haven't talked to her since the death of her father.
4. It seems that people who have experienced a stressful situation before can handle it better. ۹۴ جمعه عصر.
5. She has already bought the book.

## مقدمه

داوطلبان عزیز علاوه بر تسلط بر گرامر، تسلط به معانی حروف ربط و حروف اضافه یکی از پایه‌های اساسی ترجمه سوالات لغات و متون می‌باشد. لیست همه حروف ربط و حروف اضافه کنکوری از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ در این لیست آمده و توصیه می‌شود که همه آنها به دقت مطالعه و حفظ شوند.

▪ یک نمونه از بخش حروف ربط

<p>❖ <b>Because of = due to = owing to = through = For = thanks to</b></p>	<p>به علت، به خاطر</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Owing to the bad weather, many flights were cancelled.</li> <li>▪ She has been absent from work due to her illness.</li> <li>▪ He has to retire because of ill health.</li> <li>▪ How many working days were lost through sickness last year?</li> <li>▪ He was arrested for dangerous driving.</li> <li>▪ Thanks to modern medicine, the disease can now be cured.</li> </ul>	<p>به خاطر هوای بد، خیلی از پروازها کنسل شدند. او به دلیل بیماری اش سرکارش حضور نداشت. او مجبور است به خاطر بیماریش بازنشسته شود. چند روز کاری به دلیل بیماری در سال گذشته از دست رفت؟ او به دلیل رانندگی خطرناکش بازداشت شد. به دلیل پزشکی مدرن، بیماری هم اکنون می تواند علاج شود.</p>

<p>❖ <b>Because = due to the fact that = owing to the fact that = since= for</b></p>	<p>به دلیل اینکه، بخاطر اینکه</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Owing to the fact that children are more vulnerable, they require more care.</li> <li>▪ The experiment was halted due to the fact that funding was withdrawn.</li> <li>▪ Since you are not able to answer, we should ask someone else.</li> <li>▪ Many exam candidates lose marks because they don't read the questions properly.</li> <li>▪ It was difficult for him to read, for his eyesight was weak.</li> </ul>	<p>به دلیل اینکه بچه ها آسیب پذیرتر هستند، مستلزم مراقبت بیشتری هستند. آزمایش، به دلیل اینکه بودجه تامین نشد، متوقف شد. به دلیل اینکه شما نمی توانید پاسخ دهید، ما بایستی از کسی دیگری بپرسیم. بسیاری از داوطلبین امتحان به دلیل اینکه سوال ها را به خوبی نمی خوانند نمره از دست می دهند. به دلیل اینکه بینایی اش ضعیف بود، خواندن برای او مشکل بود.</p>

<p>❖ <b>In order to = for</b></p>	<p>تا اینکه، به منظور</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Mrs. Smith had to work full-time in order to earn a living for herself.</li> <li>▪ He went outside for buying some groceries.</li> </ul>	<p>خانم اسمیت مجبور بود که تمام وقت کار کند تا اینکه برای خودش امرار معاش کند. او به منظور خریدن مقداری خواربار به بیرون رفت.</p>

<p>❖ <b>As a result of</b></p>	<p>در نتیجه</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ All flights were cancelled as a result of the snowstorm.</li> </ul>	<p>در نتیجه کولاک برف همه پروازها کنسل شدند.</p>

داوطلبان عزیز یادگیری و تسلط به لغات کنکوری یکی از اساس‌های درصد خوب می‌باشد، اما به دلیل دامنه وسیع لغات، یادگیری آنها کار زمان بر و دشواری به نظر می‌رسد که از طریق ریشه کلمات، می‌توان به تسلط بخش اعظمی از لغات رسید. در این فصل بیش از ۸۰۰ لغت مطرح کنکوری از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ از طریق ریشه کلمات آموزش داده می‌شود. به طور مثال یادگیری ۱۰ کلمه از طریق ریشه یکسان، یادگیری را سهل نموده و بعضاً به دلیل آهنگین بودن کلمات، فراموشی این کلمات به آسانی صورت نمی‌گیرد. قابل ذکر است که لغات برگرفته از ریشه کلمات در این فصل تماماً مبنی بر لغات مطرح کنکوری بوده و به دلیل صرفه جویی وقت داوطلبین، لغات غیر کنکوری گنجانده نشده است.

▪ یک نمونه از بخش ریشه کلمات

**Mis, miss, mit, mitt:** فرستادن، رها کردن، رفتن، انداختن

Transmit	انتقال دادن، مخابره کردن، فرستادن		Remit	وجه فرستادن	Remittance ارسال وجه، پول
Submit	تقدیم کردن، ارائه دادن	فرستادن فرم یا تقاضایی	Remission	بهبودی	کسی که بهبودی می‌یابد، به حالت قبل از بیماری انداخته می‌شود، فرستاده می‌شود.
Admit	پذیرفتن، بستری کردن، تصدیق کردن، راه دادن		Missile	موشک	چیزی که به فضا پرتاب می‌شود
Emit	ساطع کردن، منتشر کردن، بیرون دادن		Intermittent	متناوب	گاهی آمدن و رفتن

**Transmission of malaria** depends on many factors including proper climatic conditions that contribute to the survival and so the abundance of mosquitoes. ۹۰ جمعه صبح

انتشار مالاریا به عوامل زیادی بستگی دارد از جمله شرایط آب و هوایی مناسب که موجب بقا و در نتیجه فراوانی پشه‌ها می‌شود.

A radio signal from outside the body activates the electronics in the implant, which then **transmits** electrical signals directly to the cells. ۹۹ پنجشنبه عصر

یک موج رادیویی از خارج از بدن جریان الکتریسیته را در قسمت کاشت شده فعال می‌کند که سپس امواج الکتریکی را مستقیماً به سلول‌ها منتقل می‌کند.

Body heat is lost by radiation in the form of infrared heat rays being **emitted** from the body to the surroundings. ۸۸ جمعه صبح

حرارت بدن توسط تابش به شکل اشعه‌های مادون قرمز که از بدن به اطراف ساطع می‌شوند، از دست می‌رود.

People all over the world should contribute to reducing **carbon emissions**, as main contributors to global warming. ۸۶ پنجشنبه عصر

مردم در سراسر دنیا باید به کاهش نشرکربن به عنوان عامل اصلی گرم شدن جهانی کمک کنند.

**Her cancer has been in remission for several years**, so she doesn't need to take much medication anymore. ۱۴۰۳ پنجشنبه عصر

سرطان او به مدت چند سال در بهبودی بوده است، بنابراین نیازی نیست که داروی زیادی دیگر مصرف کند.

Her lung cancer **was in remission** with a significant decrease in sign and symptoms. ۹۴ چهارشنبه عصر

سرطان ریه او در حال بهبودی بود با کاهش قابل توجه علامت و نشانه‌ها.



داوطلبان عزیز

این فصل مختص لغاتی می‌باشد که بسیار بسیار بسیار در کنکور وزارت بهداشت پر تکرار بوده و تسلط به تک تک آنها بسیار ضروری است. شایان ذکر است که این فصل در ۲ حالت بایستی مطالعه شود: چنانچه سطح زبان انگلیسی شما مبتدی است، در ابتدا صرفاً کلمات و معانی که زیرشان خط کشیده شده است را مطالعه نمایید و استرس یادگیری کل جمله را به خود ندهید. اما پس از یادگیری این کلمات و معانی آنها و البته با تسلط به فصل‌های یک و دو که مختص به گرامر و حروف ربط هستند، می‌توانید آنها را در قالب جمله بیاموزید که برگرفته از مثالهای کنکوری (قسمت لغات) از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ می‌باشند.

▪ یک نمونه از بخش لغات فوق ضروری

Transmissible Transmittable قابل سرایت، انتقال پذیر	Infectious Communicable عفونی، مسری	Contagious واگیردار، مسری	Bearable قابل تحمل Unbearable غیر قابل تحمل	Curable علاج پذیر Incurable لاعلاج	Preventable Avertible avoidable قابل جلوگیری
--	---	------------------------------	--	---	---

- The newly discovered virus proved to be highly transmissible since many were infected easily following their first exposure. ۱۴۰۰ پنجمین عصر. ویروس تازه کشف شده ثابت شد که شدیدا قابل انتقال می باشد، به دلیل این که خیلی ها به آسانی پس از اولین تماسشان آلوده می شدند.

- Some diseases are passed genetically from a parent to the child; others are communicable, i.e. they pass from one person to another through contact. ۹۴ پنجمین عصر. بعضی از بیماری ها به طور ژنتیکی از والدین به کودک منتقل می شوند؛ بقیه مسری هستند، به این معنی که از فردی به فرد دیگر به وسیله تماس منتقل می شوند.

- AIDS is considered incurable although there are drugs which can check its progress. ۸۶ پنجمین عصر. ایدز لاعلاج قلمداد می شود اگر چه داروهایی وجود دارند که می توانند پیشروی آنرا محدود کنند.

- The control of preventable diseases and better nutrition for all are among the main reasons for an increase in longevity all over the world. ۸۶ پنجمین صبح. کنترل بیماری های قابل پیشگیری و تغذیه بهتر برای همه، در بین دلایل اصلی افزایش طول عمر در سرتاسر جهان هستند.

- A contagious disease rapidly infects and even kills a large number of people. ۱۴۰۱ پنجمین عصر. بیماری مسری به سرعت تعداد زیادی از مردم را آلوده کرده و حتی می کشد.

- The stress in his workplace was unbearable; therefore, he decided to quit his job. ۹۷ پنجمین صبح. استرس در محل کار او غیر قابل تحمل بود، بنابراین تصمیم گرفت که شغلش را رها کند.

Faint, pass out, collapse, black out, lose consciousness

بیهوش شدن، افتادن

Light-headed, dizzy, giddy, vertiginous, woozy

احساس سرگیجه

Faint

ضعیف (احساس ضعف داشتن و گویی که به دلیل بیماری خستگی و گرسنگی احساس بیهوش شدن دست می‌دهد)

- If you are feeling light-headed again which makes you lose your balance, lie down and call me. پنجمین صبح ۱۴۰۳  
اگر دوباره احساس سرگیجه دارید که باعث از دست دادن کنترل تان می‌شود، دراز بکشید و به من زنگ بزنید.
- The news was so unusual that she immediately passed out. ۸۶ پنجمین عصر  
خبرآنقدر غیر عادی بود که او بلافاصله بیهوش شد.
- The heat made him feel quite faint.  
حرارت باعث شد که احساس کاملاً ضعف داشته باشد.
- I was faint with hunger.  
به دلیل گرسنگی احساس ضعف داشتم.

Enhance, optimize, boost, improve, promote      بهتر کردن، بالا بردن

- Besides the use of chemical drugs which help recovery, it is now believed that laughter enhances our immune system ability to fight against illnesses. ۹۶ جمعه عصر  
علاوه بر استفاده از داروهای شیمیایی که به بهبودی کمک می‌کنند، امروزه باور بر این است که خنده توانایی سیستم ایمنی ما را برای مبارزه کردن با بیماری‌ها را افزایش می‌دهد.
- The medical industry has experienced overwhelming advances over the last 50 years, and now even further steps are being taken to help optimize patient care. ۹۳ پنجمین صبح  
صنعت پزشکی پیشرفت‌های عظیمی را طی ۵۰ سال گذشته تجربه کرده است، و هم اکنون حتی گام‌های بیشتری برای کمک به بهبود مراقبت بیمار برداشته می‌شود.
- Taking time to rest the mind and nervous system via meditation can promote the autonomic nervous system tone, which is an essential requirement for getting and staying well. ۹۵ جمعه صبح  
صرف زمان برای استراحت ذهن و سیستم عصبی از طریق مدیتیشن می‌تواند قوه سیستم عصبی خود مختار را افزایش دهد که این یک نیاز اساسی برای سالم بودن و سالم ماندن است.

داوطلبان عزیز این فصل نیز شامل لغات کنکوری ( از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ ) می باشد که یادگیری و تسلط بر آنها پس از لغات فوق ضروری ( در فصل پنجم) از اهمیت بسیاری برخوردار است.

▪ یک نمونه از بخش لغات ضروری

Urgent	ضروری، فوری	He was in <u>urgent need</u> of medical attention. او در نیاز مبرم مراقبت پزشکی بود.
Formal	رسمی	At home, we usually wear casually; however, we should be really formal at work. <small>۹۷ پنجشنبه عصر</small>
Informal, casual	غیر رسمی	ما معمولاً در خانه لباس غیر رسمی و راحتی می‌پوشیم؛ با این وجود باید در محیط کار کاملاً رسمی باشیم.
Involuntary	بی‌اختیار، غیر ارادی	Seizures are accompanied by lack of consciousness with occasional involuntary movements that are out of patient's control. <small>۱۴۰۰ جمعه صبح</small> تشنج‌ها با کم‌هشیاری که شامل حرکات گاه و بیگاه غیر ارادی که تحت کنترل بیمار نیست، همراه است.
Former	قبلی	In the former case <small>در مورد قبلی</small>
Latter	بعدی، دومی	<u>The latter part of the book</u> was the hardest to write. قسمت دوم کتاب سخت‌ترین قسمت برای نوشتن بود.
Permeable	نشت پذیر، قابل نفوذ	The medical agent passes through the permeable membrane to the solution. <small>پنجشنبه عصر ۱۴۰۳</small> ماده دارویی از طریق غشا نفوذپذیر عبور کرده و وارد محلول می‌شود.
Impermeable	نفوذ ناپذیر، نشت ناپذیر	The engineer stressed that the insulating material should be impermeable in water. <small>۱۴۰۲ جمعه صبح</small> مهندس تاکید کرد که ماده عایق بایستی در آب غیر قابل نفوذ باشد.
Risk factor	عامل خطر، عامل ریسک	High cholesterol is a major risk factor for heart disease. کلسترول بالا عامل خطر بزرگی برای بیماری قلبی است.  Loneliness is a major risk factor for premature death. تنهایی عامل ریسک بزرگی برای مرگ زودرس است.

داوطلبان عزیز یکی از موارد مورد علاقه طراحان کنکور، کلمات دو معنی می‌باشند. بعضی از کلمات کنکوری علاوه بر معنی اول خود، معانی دیگری نیز دارند که یکی از آنها در علوم پزشکی از اهمیت زیادی برخوردار است که عدم دانستن آن موجب انتخاب گزینه اشتباه و یا ترجمه اشتباهی از متن می‌شود. لذا، این فصل مختص لغات چند معنی می‌باشد که مطالعه و یادگیری آنها شدیداً توصیه می‌شود.

▪ یک نمونه از بخش کلمات دو معنی

<p>Concern (فعل)</p> <p>۱. مربوط بودن</p> <p>۲. نگران کردن</p>	<p>The study <b>concerns</b> couples' expectations of marriage.</p> <p>مطالعه، مربوط به انتظارات زوجها از ازدواج است.</p> <p>Issues like food additives do <b>concern</b> me.</p> <p>مسائلی مثل افزودنی‌های مواد غذایی من را نگران می‌کنند.</p>
<p>Concern (اسم)</p> <p>۱. نگرانی</p> <p>۲. مسله مورد توجه و علاقه، دغدغه</p>	<p>Pesticides and chemical fertilizers have caused great <b>concern</b> among people in modern societies. ۹۷ پنجشنبه صبح</p> <p>آفت کش‌ها و کودهای شیمیایی موجب نگرانی زیادی در بین مردم در جوامع مدرن شده است.</p> <p>Prevention rather than treatment must be the <b>first concern</b> of all those involved in health. ۱۴۰۰ پنجشنبه صبح</p> <p>پیشگیری به جای درمان بایستی دغدغه اول همه افراد فعال در بهداشت باشد.</p>
<p>Concerned (صفت)</p> <p>۱. نگران</p> <p>۲. درگیر</p>	<p>Doctors are <b>deeply concerned that distress</b> may diminish the body's natural capacity to heal. ۹۰ جمعه صبح</p> <p>پزشکان عمیقاً نگران این هستند که پریشانی و اندوه ممکن است ظرفیت طبیعی بدن را برای التیام دادن کاهش می‌دهد.</p> <p>There was no evidence that he was <b>concerned</b> in any criminal activity.</p> <p>هیچ شاهدهی دال بر اینکه او در فعالیت‌های مجرمانه درگیر بود، وجود نداشت.</p>
<p>Compromise</p> <p>۱. به تفاهم رسیدن</p> <p>۲. تضعیف کردن</p>	<p>You want \$400 and I say \$300, so let's <b>compromise</b> on \$350.</p> <p>شما ۴۰۰ دلار می‌خواهید و من ۳۰۰ دلار می‌گویم، پس اجازه بدین روی ۳۵۰ دلار به تفاهم برسیم.</p> <p>A diet low in important nutrients can <b>compromise</b> the body's immune system and make it harder for the body to fight off infection. ۹۷ پنجشنبه صبح</p> <p>یک رژیم غذایی با مواد مغذی مهم و کم می‌تواند سیستم ایمنی بدن را به خطر بیندازد و مبارزه با عفونت را برای بدن سخت‌تر سازد.</p>

داوطلبان عزیز کالوکیشن‌ها یا واژگان همنشین، واژگانی هستند که به طور معمول با همدیگر استفاده شده و در آن ترکیب معنی متفاوتی از معنی منفرد و جداگانه آن کلمات دارند. به طور مثال کلمه **make** به معنی « درست کردن » می‌باشد، اما زمانی که با کلمه **mistake** همنشین می‌شود: بدین گونه **make a mistake** به معنی « اشتباه کردن » می‌باشد. کالوکیشن‌ها، موارد پرمطرح کنکوری می‌باشند و به خصوص در سوالات لغت، پس و پیش جای خالی، از واژگان همنشین می‌باشد. بنابراین تسلط بر کالوکیشن‌های پرتکرار کنکوری از اهمیت زیادی برخوردار است. لیست ذیل تمامی کالوکیشن‌های کنکوری از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ می‌باشند.



▪ یک نمونه از بخش کالوکیشن‌ها یا واژگان همنشین

<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Make a recovery</li> <li>▪ Make a full / complete recovery</li> <li>▪ Make a partial recovery</li> </ul>	<p>بهبود یافتن کامل بهبود یافتن بهبودی نسبی یافتن</p>
She just made a partial recovery. <small>جمعه عصر ۹۳</small>	او فقط به طور نسبی بهبود یافت.
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Yield results</li> </ul>	نتیجه دادن
The studies conducted by the research team have yielded good results. <small>جمعه صبح ۹۷</small>	تحقیقات انجام شده توسط تیم تحقیق نتایج خوبی به بار آورده است.
The investigation into the genes has yielded useful information about the origin of many hereditary diseases which led to developments in the field of gene therapy. <small>۱۴۰۲ پنجشنبه عصر</small>	تحقیق در مورد ژن‌ها اطلاعات مفیدی را در مورد منشأ خیلی از بیماری‌های وراثتی به بار آورده است که منجر به پیشرفت‌هایی در رشته ژن درمانی شد.
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Pose a threat = menace/ danger/risk/problem/challenge</li> </ul>	تهدید/خطر/ریسک/مشکل/چالش به وجود آوردن، تحمیل کردن
The dust in the air in this part of the country certainly poses a threat to the residents' health and life. <small>۹۸ پنجشنبه صبح</small>	گرد و غبار هوا در این قسمت از کشور قطعاً تهدیدی به سلامت و حیات ساکنان تحمیل می‌کند.
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Welcome a change/decision/suggestion</li> <li>▪ Welcome advice/initiative</li> <li>▪ Welcome proposals/applications</li> </ul>	یک تغییر/تصمیم/پیشنهاد را استقبال کردن/ پذیرفتن نصیحت / ابتکار عملی را استقبال کردن/ پذیرفتن طرح/ درخواستی پذیرفتن، استقبال کردن
Due to being sensible, the decision was welcomed by most of the participants. <small>۹۴ چهارشنبه عصر</small>	به دلیل منطقی بودن، تصمیم توسط اکثر شرکت‌کنندگان با استقبال رو به رو شد.
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Implement a policy/plan/decision/ recommendation</li> </ul>	اجرا کردن یک سیاست / طرح / تصمیم / توصیه
If the required equipment is provided, the plan can be implemented. <small>۹۴ چهارشنبه عصر</small>	اگر تجهیزات مورد نیاز فراهم شوند، برنامه می‌تواند اجرا شود.
<ul style="list-style-type: none"> <li>▪ Undergo treatment/surgery/an operation</li> <li>▪ Undergo tests / trials</li> </ul>	تحت معالجه/ جراحی/عمل قرار گرفتن تحت تست/آزمایش قرار گرفتن

این فصل مختص لغات مربوط به بیماری، اعضای بدن، درمان و ابزار درمان و اعضای پزشکی می‌باشد.

▪ یک نمونه از بخش از لغات مربوط به بیماری، اعضای بدن، درمان و ابزار درمان و اعضای پزشکی

▪ Stomachache	شکم درد
He said he had a stomachache and didn't want to go to school.	او گفت که شکم درد دارد و نمی‌خواهد به مدرسه برود.
▪ Diarrhea	اسهال
Some dairy products can cause diarrhea.	بعضی محصولات لبنی باعث اسهال می‌شوند.
▪ Constipation	یبوست
Do you suffer from constipation?	آیا شما یبوست دارید؟
▪ Nausea	حالت تهوع، استفراغ
A feeling of nausea suddenly came over me.	یک احساس تهوع به من غلبه کرد.
▪ Food poisoning	مسمومیت غذایی
I got food poisoning while I was on holiday.	زمانی که تعطیلات بودم، مسموم شدم.
▪ Indigestion	رودل، سوء هاضمه
She frequently suffered from indigestion.	او غالباً دچار سوء‌هاضمه می‌شد.
▪ Bleeding	خونریزی
He died of internal bleeding.	او از خونریزی داخلی مرد.
▪ Nosebleed	خون دماغ
She gets a lot of nosebleeds.	او خیلی خون دماغ می‌شود.
▪ Diphtheria	دیفتری، گلو درد به اغشاب کاذب
Now, 95% of babies are immunized against diphtheria, tetanus, polio, measles, mumps, and rubella.	امروزه، ۹۵ درصد نوزادان در برابر دیفتری، کزاز، فلج اطفال، سرخک، اوریون و سرخچه ایمن می‌شوند.
▪ Mumps	اوریون
Children are vaccinated against mumps.	کودکان در برابر اوریون واکسینه می‌شوند.
▪ Polio	بیماری فلج اطفال
Polio eradication is more complicated than that.	ریشه کنی فلج اطفال خیلی پیچیده‌تر از آن است.
▪ Measles	سرخک
One of the children got the measles.	یکی از بچه‌ها سرخک گرفت.

## مقدمه

یکی از موارد مهم کنکوری علاقه طراحان سوال به افعال دو قسمتی یا چند قسمتی می باشد. طبیعتاً زبان انگلیسی شامل هزاران فعل دو قسمتی است اما این بخش متعلق به افعال دو قسمتی کنکوری از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ می باشد.

▪ یک نمونه از بخش از لغات مربوط به افعال دو قسمتی یا چند قسمتی

▪ Give rise to	باعث شدن، موجب شدن
Internal parts are much less sensitive than the skin, and diseases in them usually give rise to a quite different sensation. <small>۸۹ جمعه صبح</small>	بخش‌های داخلی نسبت به پوست کمتر حساس هستند، و بیماریها در آنها معمولاً منجر به حس کاملاً متفاوتی می‌شود.
▪ Delve into	کاوش کردن
Research that delves deeply into this issue.	تحقیقی که مسئله را عمیقاً کاوش می‌کند.
▪ Put off	به تاخیر انداختن
I put off going to the doctor but I wish I hadn't.	من رفتن به دکتر را به تاخیر انداختم ولی ای کاش انجام نمی‌دادم.
▪ Resort to	متوسل شدن
Vets have had to resort to killing the animals.	دامپزشکان متوسل به کشتن حیوانات شده‌اند.
▪ Abstain from = refrain from	پرهیز کردن، دوری کردن
Pilots must abstain from alcohol for 24 hours before flying.	خلبانان ۲۴ ساعت قبل از پرواز بایستی از الکل پرهیز کنند.
Please refrain from smoking in this area.	لطفاً از سیگار کشیدن در این قسمت خودداری کنید.
▪ Carry out	انجام دادن
Turn off the water supply before carrying out repairs.	قبل از انجام دادن تعمیرات منبع آب را ببندید.
▪ Put out = extinguish	خاموش کردن
▪ Extinguisher	خاموش کننده آتش
The rescue services are still trying to put out the fire.	خدمات نجات هنوز در تلاش به خاموش کردن آتش هستند.
▪ Result in	باعث شدن، منجر شدن
An accident that resulted in the death of two passengers.	تصادفی که منجر به مرگ ۲ مسافر شد.
▪ Result from	ناشی شدن از
We are dealing with problems which result from errors of the past.	ما با مشکلاتی مقابله می‌کنیم که از اشتباهات گذشته نشأت گرفته‌اند.

## مقدمه

داوطلبان عزیز لغات این بخش شامل دو قسمت می‌باشد: ۱. لغات برگرفته از کتاب‌های ۵۰۴ و ۱۱۰۰ که غالباً گزینه صحیح بوده و عیناً مثال سوال کنکوری آورده شده است و ۲. لغاتی که جزو گزینه صحیح نبوده.

▪ یک نمونه از بخش از لغات مربوط به کتاب‌های ۵۰۴ و ۱۱۰۰

❖ Domain	حیطه، قلمرو، دامنه
This problem is outside the domain of medical science.	این مشکل خارج از حوزه علم پزشکی است.
❖ Contractor	پیمانکار
He is a building contractor.	او یک پیمانکار ساختمان است.
❖ Affluent	ثروتمند
People in affluent societies benefit from care facilities while those financially at a disadvantage are deprived of such facilities. ۱۴۰۱ جمعه صبح	مردمان جوامع ثروتمند از امکانات مراقبتی بهره می‌برند در صورتی که مردمان بدون مزیت، محروم از چنین امکاناتی هستند.
Japan is an affluent country, providing patients with high quality and luxurious healthcare services. ۱۴۰۲ جمعه صبح	ژاپن یک کشور ثروتمند است که بیماران را با خدمات بهداشتی درمانی با کیفیت بالا و لوکس تامین می‌کند.
Although they had been raised in an affluent family, the children suffered from severe malnutrition. ۸۸ پنجشنبه عصر	اگرچه آنها در یک خانواده ثروتمند تربیت شده بودند، بچه‌ها از سوء تغذیه شدید رنج می‌بردند.
❖ Amenable	واجد شرایط، متمایل
The physically fragile are more amenable to infectious diseases than the physically robust. ۱۴۰۱ جمعه صبح	کسانی که از لحاظ فیزیکی ضعیف تر هستند، نسبت به قوی ترها بیشتر مستعد بیماری‌های عفونی می‌باشند.
❖ Reside	سکونت داشتن، مقیم بودن
People who work in the city actually reside in neighboring towns.	کسانی که در شهر کار می‌کنند در واقع در شهرهای مجاور سکونت دارند.
The environment in which a person resides plays a crucial role in shaping his or her health and quality of life. ۱۴۰۳ جمعه عصر	محیطی که یک شخص در آن زندگی می‌کند نقش اساسی در شکل دادن به سلامت و کیفیت زندگی او دارد.
❖ Acuity	تیزی، تیز حسی
Contact lenses sometimes give better visual acuity to those in need. ۱۴۰۱ جمعه صبح	لنزهای چشمی بعضا تیزی بینایی بهتری برای کسانی که نیاز دارند، می‌دهد.

داوطلبین عزیز، این فصل مختص لغات شبیه به هم از سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ می باشد که بعضا طراحان سوال از آنها در گزینه های سوال یکسان استفاده می نمایند. لذا پس از مطالعه تمام فصول مربوط به لغات، این فصل نیز شدیداً توصیه می گردد.



▪ یک نمونه از بخش لغات شبیه به هم

<b>Deficiency</b>	کمبود، فقدان	A deficiency of safe play areas for children	کمبود محیط‌های بازی امن برای بچه‌ها
<b>Efficiency</b>	کار آیی، کفایت، شایستگی	The efficiency of the train system	کار آیی سیستم قطار
<b>Merge</b>	ادغام کردن، ادغام شدن	The villages have grown and merged together.	روستاها رشد کرده‌اند و با هم ادغام شده‌اند.
<b>Emerge</b>	آشکار شدن، ظاهر شدن	Eventually the truth emerged.	سرانجام حقیقت آشکار شد.
<b>Substantiate</b>	به اثبات رساندن	We have evidence to substantiate the allegations against him.	ما شواهدی برای اثبات کردن اتهامات علیه او داریم.
<b>Substantial</b>	اساسی، قابل توجه	A substantial breakfast	یک صبحانه اساسی
<b>Require</b>	نیاز داشتن	Children require a lot of attention.	بچه‌ها نیازمند توجه زیادی هستند.
<b>Acquire</b>	به دست آوردن، گرفتن	He hoped to acquire valuable works of art.	او امیدوار بود آثار هنری ارزشمندی را به دست آورد.
<b>Inquire</b>	پرسش کردن، جویا شدن	Shall I inquire about the price of tickets?	میتونم در مورد قیمت بلیط‌ها سوال کنم؟
<b>Appreciate</b>	قدر چیزی را دانستن، بر بهای چیزی افزودن	Most investments are expected to appreciate at a steady rate.	سرمایه گذاری‌های بسیاری پیش بینی می‌شوند که بر بهایشان افزوده شود در نرخ ثابتی.
<b>Depreciate</b>	از ارزش افتادن، کم بها کردن	Cars depreciate in value fairly rapidly.	خودروها بطور نسبتا سریع از ارزش می‌افتند.
<b>Raise</b>	بالا بردن، افزایش دادن	Raise your hand if you know the right answer.	دستتان را بالا ببرید اگر جواب صحیح را می‌دانید.
<b>Praise</b>	تحسین کردن، ستودن	The mayor praised the rescue teams for their courage.	شهرداری تیم نجات را بخاطر شجاعتشان ستود.
<b>Derive from</b>	مشتق شدن	The story derives from a very common folktale.	داستان از افسانه‌های ملی عمومی گرفته شده.
<b>Drive</b>	رانندگی کردن	Drive carefully.	با احتیاط رانندگی کنید.

این فصل مختص تمامی تکنیک‌های سوالات لغات می‌باشد و در هر سطحی از زبان انگلیسی که باشید، یادگیری این فصل کمک شایانی در پاسخ دهی به سوالات خواهد نمود چرا که طراحان سوال سبک نسبتاً ثابتی در طراحی این سوالات دارند و تسلط به این سبک‌ها موجب رفع استرس شما بوده و پاسخ دهی را تسریع خواهد نمود.

1. The doctor said very little directly, but a great deal by ..... ۹۳ جمعه عصر

- a. Intervention      b. Exploration      c. Variation      d. Implication

معنی: دکتر خیلی کم مستقیم گفت ولی تا حد زیادی غیر مستقیم.

a. Intervention	الف: وساطت، میانجی‌گری
b. Exploration	ب: اکتشاف
c. Variation	ج: گوناگونی، تنوع
d. Implication	د: تلویح، اشاره غیر مستقیم

نکته: قبل از **but** کلمه **directly** به معنی « مستقیماً » آمده است که متضاد آن گزینه د می‌باشد.

2. At home, we usually wear .....; however, we should be really formal at work. ۹۷ پنجشنبه عصر

- a. Casually      b. Graciously      c. Martiallly      d. Toughly

معنی: ما معمولاً در خانه غیررسمی می‌پوشیم، با این وجود در محیط کار کاملاً باید رسمی باشیم.

a. Casually	الف: غیر رسمی
b. Graciously	ب: با مهربانی و بخشندگی
c. Martiallly	ج: بطور نظامی
d. Toughly	د: با شدت، با خشونت

نکته: با توجه به **however** که تضاد را نشان می‌دهد و به معنی « با این وجود، اما » می‌باشد و پس از آن **formal** به معنی « بطور رسمی » آمده، متضاد آن گزینه الف می‌باشد.

3. The function of the kidney is to rid the blood of harmful waste products, while allowing it to ..... such essentials as amino acids, proteins and glucose. ۸۷ پنجشنبه صبح

- a. Remain      b. Retain      c. Reprove      d. Repress

معنی: عملکرد کلیه پاک کردن خون از مواد زائد مضر است، در حالی که به خون اجازه می‌دهد تا مواد ضروری مثل آمینو اسیدها، پروتئین‌ها و گلوکز را نگه دارد.

a. Remain	الف: باقی ماندن
b. Retain	ب: نگه داشتن، حفظ کردن
c. Reprove	ج: سرزنش کردن
d. Repress	د: سرکوب کردن

نکته: یک معنی **while** به معنی « با این وجود، در حالیکه »، معنی متضاد را می‌رساند، و در جمله قبل از **while** یک عملکرد کلیه را توضیح می‌دهد که « پاک کردن یا رها کردن خون از مواد زائد است »، کلمه بعد آن بایستی کلمه‌ای در مفهوم « نگه داشتن » باشد که در این صورت گزینه ب صحیح است.

داوطلبان عزیز پاسخ دهی به سوالات موتون مستلزم تسلط به دامنه وسیعی از لغات و گرامر می باشد، اما در وهله بعدی آشنایی با انواع سوالات موتون و نحوه پاسخ دهی به آنها نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است که این بخش به آن پرداخته است.

### Passage 3

It is recognized that for people to be motivated to use health knowledge, it must be presented to them in a comprehensible and acceptable manner. Their basic emotional needs and wants; their cultural attitudes; beliefs and prejudices; their fears, ambitions, jealousies, determinations, pride and malice, or any combination of these must all be taken into consideration. Rosenstock and colleagues summarized the problem well: "It is known that human behavior is determined more by one's belief about reality than by reality itself. People vary markedly in their interpretations of reality." As a consequence, it has been pointed out that effective health education can be achieved only by linking what is taught to the endogenous motivation of the Individual or group addressed. ۱۴۰۰ جمعه صبح

تشخیص داده شده که برای ایجاد انگیزه در افراد نسبت به استفاده از دانش سلامتی، این دانش (دانش سلامتی) باید به روشی قابل قبول و قابل درک به آنها ارائه شود. خواسته‌ها و نیازهای پایه‌ای عاطفی آنها، نگرش‌های فرهنگی آنها، اعتقادات و تعصبات، ترس‌ها، جاه طلبی‌ها، حسادت‌ها، اراده‌ها، غرور و کینه توزی آنها، یا هر ترکیبی از این‌ها همگی باید در نظر گرفته شوند. روزنستوک و همکارانش این مسئله را به خوبی خلاصه کردند: "مشخص شده که رفتار انسان بیشتر توسط نظر فرد در مورد واقعیت تعیین می‌شود تا خود واقعیت. افراد در تفسیر واقعیت بسیار متفاوت هستند." در نتیجه، اشاره شده که آموزش بهداشت موثر تنها از طریق پیوند دادن آن چیزی که آموزش داده می‌شود به انگیزه درونی فرد یا گروه حاصل می‌شود.

**Question:** The underlined word endogenous in the last sentence is closest in meaning to ....

- a. External
- b. Inhibited
- c. Internal
- d. Determined

**سوال:** کلمه خط کشیده شده endogenous به معنی « درونی » در جمله آخر نزدیکترین معنی را به کلمه ..... دارد.

ج: درونی

الف: بیرونی

د: مضمم

ب: مهار شده

پاسخ صحیح گزینه ج می‌باشد.

جمله ماقبل <u>endogenous</u>	معنی جمله
"It is known that human behavior is determined more by one's belief about reality than by reality itself. People vary markedly in their interpretations of reality."	"مشخص شده که رفتار انسان بیشتر توسط نظر فرد در مورد واقعیت تعیین می‌شود تا خود واقعیت. افراد در تفسیر واقعیت بسیار متفاوت هستند."
توضیح: اگر که معنی کلمه <u>endogenous</u> را بدانیم، یافتن پاسخ صحیح آسان می‌باشد و اگر که معنی آن را ندانیم می‌توانیم با توجه به بافت متن، حدس خوبی در مورد جواب صحیح داشته باشیم. با توجه به جمله‌ای که <u>endogenous</u> در آن قرار دارد و آن جمله با عبارت <u>as a consequence</u> شروع شده، می‌توان متوجه شد که این جمله با جمله ماقبل خود ارتباط دارد. جمله ماقبل <u>endogenous</u> بیان می‌کند که «رفتار انسان بیشتر توسط <u>نظر فرد</u> در مورد واقعیت تعیین می‌شود تا خود واقعیت.....» نظر خود فرد چیزی درونی می‌باشد و بنابراین انگیزه به <u>درون فرد</u> بستگی دارد.	

